



Pattern of determining doctrine in strategic planning and planning

Abbas Khosravi¹

Alimohammad Ahmadvand²

Type of article: Research article extracted from doctoral dissertation



Received: 2021.5.31

Accepted: 2021.9.2

DOR: 20,1001,1,25381946./SSJ.2021,97993

Absrtact

In the present paper, a suitable framework for extracting or redefining the doctrine is presented. The doctrine determines the orientation of the individual / firm / organization in the face of strategic decisions; Hence, having a pattern for determining doctrine has a direct effect on making the right strategic decision. For this purpose, by conducting library research, concepts related to doctrine were collected and analyzed with an interpretive approach. Then the strategy of comparative analysis was used to extract the relationship between the concepts and the doctrine. According to the results of this research, doctrine is in fact the principles and requirements of the individual / firm / organization that are determined by focusing on the environment. The validation test of the extracted model was held in an expert working group with the presence of 120 experts and managers of strategic planning of industrial organizations After approval by the expert working group, the template was used to determine the doctrine in several strategic planning or decision-making projects (such as the Strategic Planning Project for Intelligent Road Transport). In all cases used, the designated doctrine had good accuracy and efficiency, which, in fact, shows the proper application of the template.

Key Words

Doctrine, Attitudes, Values, Targeting, Strategic Planning

1. PhD Student in Strategic Management, Faculty of Management, Higher National Defense University, Tehran, Iran, a133k@chmail.ir

2. Professor, School of Management, Imam Hossein University, Tehran, Iran, alimohammadahmadvand@gmail.com

الگوی تعیین دکترب در طرح ریزی و برنامه ریزی راهبردی

عباس خسروی^۱

علی محمد احمدوند^۲

نوع مقاله: مقاله پژوهشی مستخرج از رساله دکتری

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۰



فصلنامه مطالعات راهبردی ناچا، سال ششم، شماره ۳ (پیاپی ۲۱) - پاییز ۱۴۰۰* ۴۵-۲۳

DOR: 20,1001,1,25381946/SSJ.2021,97993

چکیده

در مقاله حاضر، یک چارچوب مناسب برای استخراج یا بازتعریف دکترب ارائه شده است. دکترب جهت گیری فرد/ بنگاه/ سازمان را در مواجهه با تصمیمات راهبردی تعیین می کند؛ از این رو، داشتن یک الگو برای تعیین دکترب در تصمیم گیری درست راهبردی تأثیری مستقیم دارد. برای این منظور، با انجام پژوهشی کتابخانه ای، مفاهیم مرتبط با دکترب گردآوری شد و با رویکرد تفسیرگرایی تحلیل گردید. سپس از راهبرد تحلیل تطبیقی استفاده شد تا ارتباط مفاهیم با یکدیگر و با دکترب استخراج شود. مطابق نتیجه این پژوهش، دکترب در واقع، اصول و بایسته های فرد/ بنگاه/ سازمان است که با تمرکز بر محیط تعیین می شود. آزمون صحت گذاری الگوی استخراج شده در یک کارگروه خبرگی با حضور ۱۲۰ نفر از کارشناسان و مدیران طرح ریزی راهبردی سازمان های صنعتی برگزار شد و پس از تأیید در کارگروه خبرگی، الگو برای تعیین دکترب در چندین پروژه طرح ریزی یا تصمیم گیری راهبردی - مانند پروژه طرح ریزی راهبردی برای ترابری هوشمند جاده ای - مورد استفاده قرار گرفت. در همه موارد استفاده شده، دکترب تعیین شده از دقت و کارآمدی خوبی برخوردار بود که در واقع، کاربرد مناسب الگو را نشان می دهد.

واژگان کلیدی: دکترب، نگرش ها، ارزش ها، هدف گذاری، طرح ریزی راهبردی

مقدمه

یکی از مؤلفه های بسیار مهمی که به مسیر حرکت ما به عنوان یک سازمان، بنگاه و یا حتی یک فرد جهت می دهد، توجه به اصول، مبانی و بایسته های ماست. اگر پایه های یک بنا پایه های محکمی باشند، می توان امید داشت که بنا یک بنای استوار باشد. اگر جهت گیری در یک حرکت محوری بر اساس اندیشه های درست و یک رویکرد درست باشد، می توان انتظار داشت که ادامه

۱. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی، دانشکده مدیریت، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران، a133k@chmail.ir
۲. استاد دانشکده مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران، alimohammadahmadvand@gmail.com

حرکت به مقصدی درست منتهی شود. اما آنچه در عمل رخ می‌دهد، گذر سطحی و تأمل نه‌چندان دقیق بر اصول و بایسته‌ها در برنامه‌های راهبردی است. پرداختن به این گستره مهم در برنامه‌های راهبردی معمولاً در عمل، کمترین وزن را در مقایسه با تحلیل نیاز و یا تحلیل شرایط محیطی به خود اختصاص می‌دهد. تعمق در اصول و بایسته‌ها، هرچند در ابتدا چندان دشوار به نظر نمی‌رسد، اما غفلت از پرداختن مدبرانه به بایسته‌های یک حرکت راهبردی، هزینه‌های سنگین و گاه جبران‌ناپذیری - هم در سطوح خرد فردی و بنگاهی و هم در سطوح کلان ملی و فراملی - در پی داشته و دارد. به‌عنوان مثال، راهبرد "فرزند کمتر زندگی بهتر" مبتنی بر هیچ باور دینی و عرفی صورت نگرفت اما اثرات نامطلوب این راهبرد تا سال‌ها در عرصه ملی این سرزمین باقی خواهد ماند.

پرداختن به بایسته‌ها و انتخاب جهت مناسب در طرح‌های راهبردی - با این عواقب سنگین - می‌تواند ناشی از نشناختن جایگاه بایسته‌ها در این طرح‌ها و یا نداشتن الگوی مناسب برای تحلیل آنها و جهت‌گیری مناسب در تصمیمات راهبردی باشد. همین نکته در واقع، موقعیت مسئله‌ای این پژوهش را پدید آورده است. بر اساس این موقعیت، مسئله پرسش پژوهش این است: «چارچوب مناسب برای تحلیل بایسته‌ها و انتخاب جهت در تصمیمات راهبردی چیست؟» اگر چنین الگویی شناسایی و یا در صورت لزوم معماری شود، می‌تواند احتمال بروز خطای جهت‌گیری را در برنامه‌های راهبردی کاهش دهد. افزایش دقت در برنامه‌های راهبردی برخوردار از یک جهت صحیح، با هدف‌گذاری مناسب و انتخاب راهبردهای مناسب بعدی، سهل‌الوصول‌تر خواهد بود. همین نکته ساده، اهمیت این پژوهش را بیان می‌کند. اگر مقصد راهبردی در مشرق باشد، انتخاب شرق به جای غرب، خود به تنهایی، احتمال خطا را بسیار کاهش می‌دهد. تصمیمات درست بعدی با وسواس در انتخاب مقصد و راه رسیدن به مقصد باید گرفته شود اما اگر الگوی مناسبی برای این جهت‌گیری وجود نداشته باشد، تغییر مسیر از غرب به شرق بسیار پرهزینه خواهد بود؛ اگر غیرممکن نباشد. موشک پدافندی اگر در جهت مغرب شلیک شده باشد، در حالی که تهدید در مشرق است، فرصت جبرانی برای اصلاح جهت نخواهد داشت؛ بنابراین، از ضروریات برنامه‌های راهبردی در هر سطحی، داشتن الگوی مناسب برای تحلیل بایسته‌ها و انتخاب جهت است.

مبانی نظری پژوهش

۱. دکترین^۱

اریک^۲ (۲۰۰۶) معتقد است که doctrine مشتقی از واژه docile انگلیسی است که ریشه آن به dokeo یونانی و docero لاتین برمی‌گردد. تعریف این واژه از حیث اصطلاحی، به‌طور عمده توسط اسناد و تحقیقات نیروهای نظامی صورت گرفت و سپس دیگر رشته‌های علمی، به‌ویژه علوم سیاسی و مدیریت، از آن متناسب با رسالت‌های خود، استفاده کردند (کواکبیان، ۱۳۹۵: ۲۳). طبق گفته باری پوزن^۳ (۱۹۸۴) دکترین یعنی چه ابزاری، چگونه باید به کار گرفته شود (بخشنده سلامت، ۱۳۹۸: ۷). دیکشنری دانشگاه کمبریج دکترین را این‌گونه ترجمه می‌کند: «یک باور یا مجموعه‌ای از اعتقادات - به‌ویژه اعتقادات سیاسی یا مذهبی - که توسط گروه خاصی آموزش داده و پذیرفته می‌شوند^۴». دیکشنری آکسفورد در تعریف دکترین آورده است: «ترکیبی از قوانین، اصول، هنجارها، دستورالعمل‌ها و ارزش‌های مختلف. دکترین، یک بخش از قانون را به‌عنوان بخشی از یک سیستم بزرگ‌تر قانون توضیح می‌دهد، منسجم می‌کند یا توجیه می‌کند. دکترین‌ها می‌توانند کم و بیش انتزاعی، الزام‌آور یا غیرالزام‌آور باشند^۵». فرهنگستان زبان و ادب فارسی دکترین را معادل "ره‌نامه" ترجمه کرده است و آن را «بیانیه‌ای مکتوب درباره سیاست رسمی حکومت، به‌ویژه در زمینه سیاست خارجی و راهبرد نظام» معنا می‌کند^۶.

کلاوزویتس دکترین را این‌گونه تعریف می‌کند: «دکترین یک راهنما برای کسانی است که می‌خواهند از راه کتاب، درباره جنگ بدانند. دکترین مسیر آنان را روشن و پیشرفتشان را تسهیل می‌کند؛ بیش از آنچه کمک به قضاوت و راه‌جویی از در تله افتادن را بیاموزد. دکترین، ابزاری است برای آموزش ذهن فرماندهان آینده، ولی نه برای همراهی کردن آنها در میدان نبرد (بخشنده سلامت، ۱۳۹۸: ۸). باقری (۱۳۹۴) معتقد است که تدوین دکترین نظامی به‌صورت فرآیندی با مطالعات گسترده و دائمی روی تغییرات مؤلفه‌های اثرگذار محیطی در ابعاد مختلف و همچنین، بازخوردگیری از مراحل اجرا صورت پذیرفته و به‌طور پیوسته نیز مورد بازنگری یا حتی در صورت نیاز، تدوین مجدد قرار می‌گیرد (ولی‌وند و سرمد، ۱۳۹۶: ۶۵). در فرهنگ‌نامه راهبردی

1. Doctrine

2. Eric

3. R.Posen, Barry

۴. دیکشنری کمبریج؛ قابل دسترسی در <https://dictionary.cambridge.org>

۵. دیکشنری آکسفورد؛ قابل دسترسی در <https://www.oxfordreference.com>

۶. فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ قابل دسترسی در <http://vajeyar.apll.ir>

ناجا آمده است: «دکترین سازمانی فلسفه مشترکی را در اختیار سازمان می‌گذارد تا زبان و هدف مشترکی را ایجاد کند و بدین ترتیب، وحدت را متجلی می‌نماید. لذا مبنای یک خط فکری خاص درباره روش مقابله با هر تهدید و پایه‌های دست‌یابی به درک مشترک و فعالیت هماهنگ است.» این فرهنگ‌نامه دکترین راهبردی ناجا را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه اصول و قواعد بنیادینی که هدایت‌گر اقدامات ناجا و عناصر آن در پشتیبانی از اهداف ملی است» (مرکز مطالعات راهبردی ناجا، ۱۳۹۹: ۲۰). این فرهنگ‌نامه دکترین اطلاعاتی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه قواعد ساخت‌یافته و هدف‌مند برای حصول به اهداف اطلاعاتی و امنیتی» (همان: ۲۱).

تعریفی که ناتو از اصطلاح «دکترین نظامی» ارائه می‌دهد و توسط چندین کشور عضو نیز اقتباس شده است، این‌طور بیان می‌کند: «اصول اساسی که نیروهای نظامی با استفاده از آنها اعمال خود را در جهت اهداف خود هدایت می‌کنند را دکترین نظامی گویند. این دکترین نافذ است اما در عمل نیاز به تفسیر دارد»^۱.

۲. راهبرد

پیرس و رابینسون^۲ در تعریف راهبرد می‌گویند: «راهبرد در نظر مدیران به معنای برنامه‌های مقیاس بزرگ و آینده‌نگر برای تعامل با محیط رقابتی به منظور بهینه‌کردن دست‌یابی به هدف‌های سازمان است» (پیرس و رابینسون، ۱۳۹۳: ۱۹). دیوید آر. فرد^۳ هم می‌گوید: «راهبردها ابزاری هستند که شرکت می‌تواند بدان وسیله به هدف‌های بلندمدت خود دست‌یابد» (شهلائی، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

«واژه راهبرد (استراتژی) از کلمه یونانی استراتگوس به معنی فرماندهی گرفته شده است. راهبرد به زبان ساده، مشخص می‌کند که کجا هستیم، به کجا می‌خواهیم برویم، از چه راهی و چگونه. و از این طریق، مبنایی برای هم‌سو کردن توجهات و تلاش‌های مختلف و بسیج و تخصیص مناسب منابع موجود در راستای تحقق مطلوبیت‌های مورد نظر فراهم می‌آورد» (احمدوند، ۱۳۸۶: ۶۰). «راهبرد عبارت است از تمرکز شایستگی‌های کلیدی بر خواسته‌های اساسی، مبتنی بر بایسته‌های اصولی» (همان: ۶۳).

فرهنگ‌نامه ناجا راهبرد را این‌گونه تعریف می‌کند: «تصمیم و اقدام هوشمندانه در تعیین و حصول اهداف با نگاه آرمانگری واقع‌نگر به منابع در محیط رقابتی. به عبارتی، ایجاد هماهنگی بین اهداف و منابع و تبدیل منابع به اهداف» (فرهنگ اصطلاحات مرکز مطالعات راهبردی ناجا، ۱۳۹۹: ۴).

۱. قابل دسترسی در AAP-6(V) NATO Glossary of Terms and Definitions

2. Piers & Rabinson

3. David R. Fred

۳. سیاست

به عقیده پیرس و رایبسنون، سیاست یا خط‌مشی‌ها «رهنمودهایی هستند که برای راهنمایی، تفکر، تصمیم و اقدامات مدیران و فرودستان آنها در اجرای راهبرد سازمان تدوین می‌شود». دیوید فرد. آر. می‌گوید: «مقصود از سیاست، رهنمودها، روش‌ها، رویه‌ها، مقررات و شیوه‌هایی از مدیریت خاص است که برای حمایت و تقویت کارها در نظر گرفته می‌شوند تا سازمان بتواند به هدف‌های تعیین شده دست یابد» (شهلائی، ۱۳۸۵: ۱۸۵). از نظر خلیلی (۱۳۸۶) «رابطه‌ای سلسله‌مراتبی میان دکترین، سیاست و راهبرد برقرار است که می‌توان آن را در مفهوم عام (سطح ملی)، یا مفهوم خاص (سطح بخشی) هر سه مقوله یافت». خلیلی که با نسبت‌سنجی مفهومی و نظری پژوهش خود را انجام داده‌است، این‌گونه نتیجه می‌گیرد که دکترین به این دلیل که ماهیت هدف‌گذاری دارد و از جنس "کجایی" است، در رأس قرار می‌گیرد. پس از آن سیاست است که بیانگر هدایت امکانات موجود در راستای هدف می‌باشد و از جنس "چیستی" است. و در نهایت، راهبرد قرار دارد که چگونگی به‌کارگیری امکانات موجود برای تحقق اهداف را مورد توجه قرار می‌دهد (خلیلی، ۱۳۸۶: ۴۴۵).

۴. باور

یکی از پربحث‌ترین مباحث در فلسفه ذهن معاصر، راجع به چیستی گرایش گزاره‌ای "باور" و تفاوت آن با دیگر گرایش‌های گزاره‌ای مثل "آرزو" می‌باشد. امروزه، فلاسفه متعددی مدعی این نظر هستند که آنچه باور را از دیگر گرایش‌های ذهنی متمایز می‌کند، رابطه منحصر به فردی است که این گرایش گزاره‌ای با "صدق" دارد (کلانتری، ۱۳۹۵: ۷۴). فرهنگ‌نام‌ها، حالت یا عادت‌های ذهنی را که باعث اعتقاد یا یقین انسان می‌شود، باور نامیده‌است. فرهنگ‌های عمیق و دهخدا نیز باور را یقین و اعتقاد معنا کرده‌اند.^۱ یعقوبیان (۱۳۹۸) با بررسی دیدگاه‌های فلسفی و روان‌شناختی چیستی باور بر ماهیت ذهنی و عاطفی فعل باور تأکید می‌کند (یعقوبیان، ۱۳۹۸: ۱۱۱). یزدانی و اکبری (۱۳۹۶) در نتیجه‌گیری پژوهش خود می‌گویند: «عقاید (باورها) صورت‌های ذهنی در مورد وجود و موجودات است که ما گمان می‌کنیم درست است؛ در حالی که شاهد و دلیل علمی و محکمی برای آن نداریم. در واقع، باورهایمان که قوت بگیرند، به عقاید و به تدریج به اصول و فلسفه زندگی مان تبدیل می‌شوند» (یزدانی و اکبری، ۱۳۹۶: ۹۵).

۵. ارزش

شایستگی، زیندگی و قابلیت، عبارات مترادفی است که بیشتر فرهنگ‌نامه‌ها برای "ارزش" ذکر کرده‌اند.^۱ یزدانی و اکبری (۱۳۹۶) در پژوهشی برای تبیین مفهوم ارزش به این یافته رسیدند که ارزش‌ها به صورت یک نظام ارزشی، درون فرد ایجاد می‌شود و مبنای قضاوت و تصمیم‌گیری در امور مختلف قرار می‌گیرد. به عقیده آنها در جامعه اسلامی ما مفروضات اساسی وجود دارد که باور ماست و ارزش‌های ما را شکل می‌دهد و آنگاه است که ارزش‌ها جهت حرکت ما را تعیین می‌کند و الگوهای رفتاری ما را شکل می‌دهد (یزدانی و اکبری، ۱۳۹۶: ۹۲).

۶. نگرش

مترادف‌های مشترک "نگرش" در بیشتر فرهنگ‌های لغت عبارت است از: بینش، ملاحظه، نظر و توجه. یوسفی و تجربه‌کار (۱۳۹۵) تصور محیطی را یکی از فرآیندهای دخیل در شکل‌گیری نگرش می‌دانند. الپورت^۲ (۱۹۵۳) می‌گوید: «نگرش وضعیتی از آمادگی ذهنی محصول تجربه سازمان یافته است که نفوذی مستقیم و پویا در کنش فرد نسبت به محیط پیرامونی و اوضاع و احوالی که با آن در تماس قرار می‌گیرد، اعمال می‌نماید» (گنجی، ۱۳۹۵: ۸۰).

پیشینه پژوهش

آیسیت^۳ (۲۰۰۹) تلاش کرده است که با جمع‌بندی تعریف‌های دکترین در منابع مختلف، الگویی مبتنی بر معنای دکترین برای استخراج آن ارائه دهد: «دکترین قواعد (اصول) بنیادینی است که اقدامات و اعمال را برای وصول به اهداف هدایت و حمایت می‌کند. بر این اساس، دکترین با ارائه راه‌حل رابطه‌ای میان اهداف و ابزار برقرار می‌کند که مبتنی بر آن، می‌توان با به کارگیری ابزار موجود، به مقاصد دست یافت» (کواکبیان، ۱۳۹۵: ۲۴).

شفریترز و بوریک^۴ معتقدند که دکترین تشریح و تبیین قواعد ذاتی حاکم بر خلقت، طبیعت و قواعد ذاتی حاکم بر اعمال موجودات به ویژه بشر است؛ بنابراین، موضوع دکترین مطالعه جامعه از حیث "بایدها" مبتنی بر قواعد ذاتی حاکم بر خلقت، طبیعت و رفتار موجودات و انسان است. شفریترز و

۱. همان

2. Gordon Allport

3. P. Isit

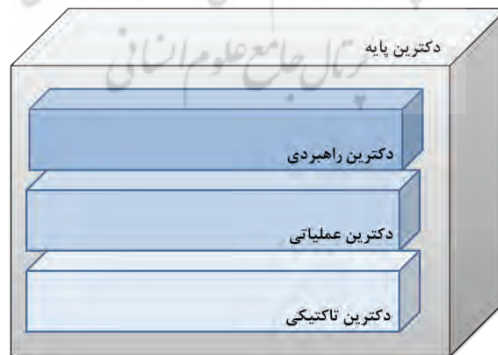
4. Jay M. Shafritz & Christopher P. Borick

بوریک الگوی ساده‌ای را برای تشریح رابطه فلسفه، دکترین و سیاست پیشنهاد داده‌اند که در شکل شماره ۱ قابل مشاهده است (شفریتز و بوریک، ۱۳۹۰: ۲۹۹ - ۲۸۳).



شکل ۱. رابطه فلسفه، دکترین و سیاست

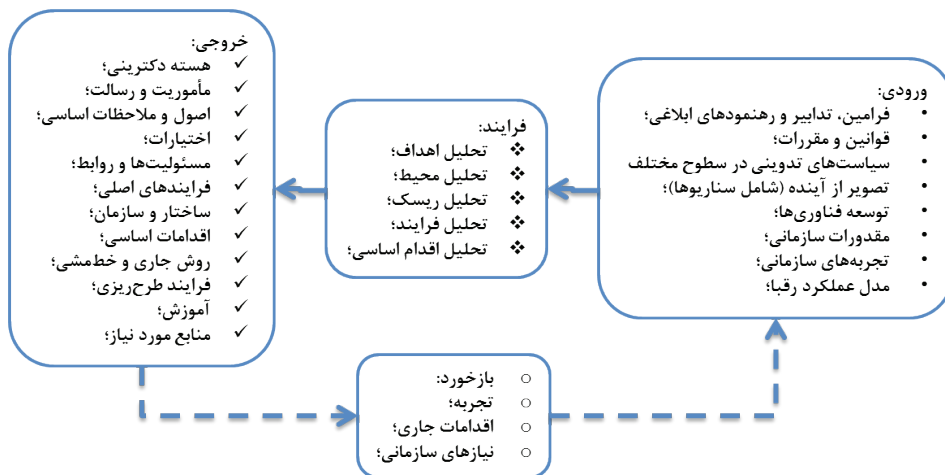
کواکبیان و همکارانش با تمرکز بر فرآیند تدوین دکترین فقهی امام خمینی (ره) در ساحت سیاست، یک الگوی چهارلایه‌ای را برای دکترین در نظر گرفته‌اند که عبارت است از: دکترین پایه، دکترین راهبردی، دکترین عملیاتی و دکترین تاکتیکی (شکل ۲). ابتدا تعیین بنیادی‌ترین قاعده - یعنی دکترین پایه - صورت می‌گیرد که همه قواعد و اقدامات معطوف به تحقق عینی آن در متن جامعه است. پس از آنکه دکترین به مثابه بنیادی‌ترین قاعده حاکم بر کل روندها و فرآیندهای اقدام مشخص شد، ضروری است که برای تحقق آن در عالم خارج نیز قواعد جزئی‌تری وضع شوند. بدیهی است که با توجه به ماهیت اهداف در هر زمینه‌ای از جمله سیاست، فرهنگ، اقتصاد و امور نظامی با طیفی از اقدامات روبه‌رو هستیم که به‌طور عمده، براساس گستره زمانی، اهمیت و دامنه اثرگذاری در سه سطح استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی تقسیم‌بندی می‌شوند (کواکبیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱).



شکل ۲. لایه‌های دکترین از دید کواکبیان و همکاران

اسلام‌پناه در پژوهش خود به دنبال یافتن جایگاه دکترین در سلسله‌مراتب هنجارها و قواعد حقوقی بوده‌است. او در برداشتی از نظریه رابرت پاول^۱ (۲۰۱۰) دکترین را به دو گستره معنایی تقسیم‌بندی کرده‌است: دکترین در معنای عام، معادل نظریه، عقیده و مجموعه مفاهیمی است که می‌توان به کمک آنها وقایع را تفسیر کرد و عمل انسان را هدایت و تفسیر کرد. او گستره دوم مفهوم دکترین را معنای خاص نظریات یا عقایدی می‌داند که علمای حقوق در مقام شرح و تفسیر قواعد حقوقی بیان می‌کنند (اسلام‌پناه، ۱۳۹۹: ۱۰). وی حاصل پژوهش خود را در سه جمله جمع‌بندی می‌کند: (۱) نقد و بررسی قوانین موجود، یکی از وظایف دکترین است؛ (۲) نقد و بررسی آرای صادره از محاکم، یکی از وظایف دکترین است؛ (۳) دکترین به طور کلی، فاقد ماهیت اجبارکننده به‌عنوان یک منبع حقوق بوده و قضات ملزم به اعمال نظریات علمای حقوق در آرای خود نیستند (همان: ۲۵ - ۲۴). بخشنده سلامت نیز برای تبیین ماهیت دکترین یا ره‌نامه نظامی، به توصیف چند دکترین معروف در تاریخ معاصر جهانی و تحلیل ویژگی‌های بارز آنها پرداخته‌است. او در جمع‌بندی نتایج تحقیق خود، به بازتعریفی از دکترین رسیده‌است: «می‌توان ره‌نامه را به مجموعه‌ای از اصول بنیادین، خط‌مشی‌ها، باورها، نظریات، دیدگاه‌ها و عقاید (ایدئولوژی) اطلاق نمود که از طریق راهنمایی و ارائه راهکار، چگونگی عمل را برای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران مشخص و معین می‌نماید» (بخشنده سلامت، ۱۳۹۸: ۱۵).

ولی‌وند و سرمد (۱۳۹۶) با تأکید بر نقش دکترین در جنگ‌های آینده، به تحلیل یکی از ابعاد تعیین‌کننده دکترین عملیات مشترک پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد که تمرکز پژوهش آنها بر موضوع علمیات مشترک و نقش دکترین در این موضوع است. ثروتی و همکارانش با رویکردی نظام مند، روشی را برای تهیه دکترین پیشنهاد داده‌اند که شامل ورودی، فرآیند، خروجی، و بازخورد است (شکل ۳).



شکل ۳. سیستم تدوین دکترین

آنها تدوین دکترین را نوعی سیاست‌گذاری دانسته و برای تعریف و استقرار آن هم با برداشتی از الگوهای سیاست‌گذاری، چهار مرحله طرح‌ریزی، اقدام، ارزیابی و اصلاح را پیشنهاد کرده‌اند (ثروتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۹).

مرور پژوهش‌های زمینه - مانند آنچه تاکنون برشمرده شد - با این هدف صورت می‌گیرد که میزان پاسخ پژوهش‌های مشابه به پرسش اصلی پژوهش حاضر بررسی شود. برای ارزیابی این موضوع، از شاخص‌های متناسب با پرسش پژوهش استفاده می‌شود. پژوهش حاضر به دنبال معماری یک چارچوب برای تحلیل بایسته‌ها به منظور استخراج دکترین است؛ بنابراین، نخستین شاخص بررسی پژوهش‌های زمینه این است که آیا خروجی پژوهش یک چارچوب است یا خیر؟ چارچوب باید بتواند مؤلفه‌های شکل‌دهنده اصول و بایسته‌ها را شفاف کند؛ بنابراین، شاخص دوم، میزان تمرکز بر شفاف‌سازی مؤلفه‌های شکل‌دهنده بایسته‌هاست. شفاف کردن نسبت مؤلفه‌های بایستگی، خواسته دیگر پرسش پژوهش است که به عنوان سومین شاخص انتخاب می‌شود. در نهایت، چارچوب مدنظر باید بتواند برای تعیین دکترین به کار گرفته شود. پس چهارمین شاخص نیز به عنوان میزان تأثیر بر تعیین دکترین در نظر گرفته می‌شود و حاصل این ارزیابی در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. این جدول، وجوه اشتراک و افتراق این پژوهش را با پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهد که بارزترین وجه اشتراک پژوهش‌های مشابه، تأثرگذاری بر تعیین دکترین است.

جدول ۱. جمع‌بندی پژوهش‌های زمینه

پژوهش	آیا خروجی پژوهش ارائه یک چارچوب است؟	آیا مؤلفه‌های شفاف شده‌اند؟	آیا نسبت مؤلفه‌های بایستگی شفاف شده است؟	آیا خروجی بر تعیین‌کننده مؤثر است؟	توضیحات
ایسیت (۲۰۰۹)	○			●	بر ارائه یک بازتعریف از دکتربین متمرکز است.
شفریتز و بوریک (۱۳۹۰)	○	○	○	●	الگوی ساده‌ای مبتنی بر رابطه فلسفه، دکتربین و سیاست طراح کرده‌اند.
کواکبیان و همکاران (۱۳۹۵)	○	○		●	بر استخراج الگوی تدوین دکتربین فقهی حضرت امام (ره) در ساحت سیاست متمرکز شده‌اند.
اسلام‌پناه (۱۳۹۹)				○	به بازتوصیفی از جایگاه دکتربین در سلسله‌مراتب هنجارها و قواعد حقوقی متمرکز بوده است.
بخشنده سلامت (۱۳۹۸)	○	○		○	این پژوهش منجر به بازتعریفی از دکتربین شده است.
ولی‌وند و سرمد (۱۳۹۶)	○	○		○	به تحلیل یکی از ابعاد مؤثر در تعیین دکتربین عملیات مشترک پرداخته‌اند.
ثروتی و همکاران (۱۳۹۱)	●	●	○	●	چارچوب فرآیندی مناسبی ارائه کرده‌اند که برای تعیین دکتربین مؤثر است اما نقش مؤلفه‌های بایستگی شفاف نشده است.

به جز ثروتی و همکاران (۱۳۹۱) هیچ کدام از پژوهش‌ها نتوانسته‌اند یک چارچوب مناسب برای تعیین دکترین ارائه دهند یا به دنبال ارائه چنین چارچوبی نبوده‌اند. هیچ کدام از پژوهش‌های مشابه نسبت مؤلفه‌های بایستگی را کاملاً شفاف نکرده یا هدفشان شفاف‌سازی این شاخص نبوده‌است. و در نهایت اینکه، به جز ثروتی و همکاران، هیچ کدام از پژوهش‌ها اصولاً به این مؤلفه‌ها اشاره شفاف ندارند. در مرور واژگان اشاره شد که دیکشنری آکسفورد در تعریف دکترین چنین آورده‌است: «ترکیبی از قوانین، اصول، هنجارها، دستورالعمل‌ها و ارزش‌های مختلف». این تعبیر را در سایر تعاریف دکترین نیز می‌توان استنباط کرد؛ بنابراین، می‌توان گفت که دکترین از مؤلفه‌های بایستگی (اصول و بایدها و نبایدها) است که با دیگر مؤلفه‌ها در ارتباط است. با تبیین این نسبت‌ها باید دید که دکترین چگونه تعیین می‌شود. با این منطق ساده، چارچوب مفهومی پژوهش مطابق با شکل زیر طراحی می‌شود.



شکل ۴. چارچوب مفهومی پژوهش

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش، ما به دنبال یافتن و یا ارائه توصیفی شفاف برای مفهوم دکترین بودیم تا بتوان بر اساس این توصیف، چارچوب مناسبی برای تعیین دکترین ارائه کرد؛ بنابراین، نوع این پژوهش به لحاظ جهت‌گیری، یک پژوهش توسعه‌ای است. در این پژوهش داده کمی وجود ندارد؛ از این رو، نوع پژوهش به لحاظ صبغه، یک پژوهش کیفی است. داده‌های کیفی پژوهش از مطالعه اسناد و مدارک گردآوری شده‌اند؛ از همین رو، این پژوهش در نوع پژوهش‌های کتابخانه‌ای محسوب می‌شود. در تحلیل داده‌ها، تفسیرگرایی مبنای فلسفی غالب در انجام این پژوهش است اما در مرور

پژوهش‌های زمینه به شاخص انتقادی نیز توجه شده‌است. در تحلیل داده‌های کیفی از تطبیق مفاهیم و معانی استفاده شده‌است؛ بنابراین، روش پژوهش به لحاظ رویکرد هم یک پژوهش تطبیقی است. برای صحت‌گذاری نتایج، نخست نتایج پژوهش در یک کارگروه (پنل) خبرگی ارائه شد. این کارگروه متشکل از ۱۲۰ نفر از کارشناسان و خبرگان طرح‌ریزی راهبردی سازمان‌های صنعتی بود. میانگین سنوات خدمتی کارگروه خبرگی بررسی الگو ۱۴ سال بود. ۸۵٪ جامعه کارگروه خبرگی دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۱۱٪ دارای مدرک دکتری و ۴٪ دارای مدرک کارشناسی بودند. ۴۸٪ از خبرگان از میان رده‌های کارشناسی، ۳۲٪ از میان مدیران میانی و ۲۰٪ از مدیران رده بالای سازمان‌های صنعتی بودند. ۶۵٪ اعضای کارگروه از میان کارشناسان طرح‌ریزی راهبردی، ۳۱٪ از میان مدیران و ۴٪ از جمع ناظران پروژه‌های طرح‌ریزی راهبردی بودند. پرسش‌نامه نظرسنجی داده‌ها در طیف لیکرت طراحی و توسط خبرگان کارگروه تکمیل شد. ۳ گزاره در این پرسش‌نامه در خصوص الگوی مستخرج از پژوهش و مفاهیم مرتبط با آن بود که میانگین نظر خبرگان، گزینه موافق و خیلی موافق بود. در گام بعدی، برای صحت‌گذاری نتایج پژوهش، از الگوی مستخرج از پژوهش برای تعیین دکترین در چند حوزه استفاده شد که در تمام حوزه‌های نمونه، مورد اقبال قرار گرفت.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها در این پژوهش در دو مرحله اساسی انجام می‌شود. نخست، تبیین این نکته از چارچوب مفهومی پژوهش که دکترین جزو گستره اصول و بایسته‌هاست. در مرحله دوم، با توصیف نسبت سایر مؤلفه‌های بایستگی، چارچوب استخراج یا بازتعریف دکترین معماری می‌شود.

تحلیل نسبت دکترین و گستره بایسته‌ها

دیکشنری کمبریج در تعریف دکترین می‌گوید: «یک باور یا مجموعه‌ای از اعتقادات - به‌ویژه اعتقادات سیاسی یا مذهبی - که توسط گروه خاصی آموزش داده و پذیرفته می‌شوند»^۱. در دیکشنری آکسفورد هم چنین آمده‌است: «ترکیبی از قوانین، اصول، هنجارها، دستورالعمل‌ها و ارزش‌های مختلف آ». فرهنگستان زبان و ادب فارسی دکترین را معادل رهنامه ترجمه کرده و آن را «بیانیه‌ای مکتوب درباره سیاست رسمی حکومت، به‌ویژه در زمینه سیاست خارجی و راهبرد نظام»^۲.

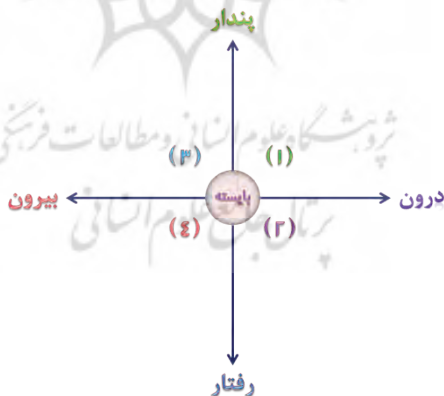
۱. دیکشنری کمبریج؛ قابل دسترسی در <https://dictionary.cambridge.org>

۲. همان

معنا می‌کند.^۱ این سه منبع معتبر در تعریف دکترین آن را جزو اصول و بایسته‌ها معرفی می‌کنند. دیگر منابع و پژوهش‌های زمینه‌نیز به‌صورت صریح یا ضمنی این معنا را صحت‌گذاری می‌کنند. به‌عنوان مثال، آیسیت^۲ (۲۰۰۹) با جمع‌بندی تعاریف دکترین در منابع مختلف، این‌گونه جمع‌بندی می‌کند که دکترین قواعد (اصول) بنیادینی است که اقدامات و اعمال را برای وصول به اهداف هدایت و حمایت می‌کند. شفریتز و بوریک^۳ تصریح می‌کنند که موضوع دکترین، مطالعه جامعه از حیث "بایدها" مبتنی بر قواعد ذاتی حاکم بر خلقت، طبیعت و رفتار موجودات و انسان است (شفریتز و بوریک، ۱۳۹۰: ۲۹۹ - ۲۸۳).

تحلیل بایسته‌ها

برای تحلیل گستره اصول و بایسته‌ها از یک فضای دوبعدی استفاده شده است. در یک بعد، بایسته‌ها یا ذهنی و پنداری هستند و یا رفتاری. بایدها و نبایدها یا در اندیشه‌های فرد/بنگاه/سازمان متجلی می‌شوند و یا در رفتار آنها. بایسته‌های ذهنی ما به‌عنوان فرد/بنگاه/سازمان چگونه تعریف می‌شود؟ بایسته‌های رفتاری ما چگونه تعریف می‌شود؟ اما این بُعد به‌تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده بایسته‌های ما باشد. در بعد دوم، بایسته‌ها یا مربوط به خود ما (فرد/بنگاه/سازمان) هستند و یا مربوط به پیرامون و محیط ما. این فضای دوبعدی در شکل ۵ نشان داده شده است.



شکل ۵. ابعاد تحلیل بایستگی

این دو بعد فضای بایستگی را به چهار ناحیه تقسیم می‌کند. توصیف این نواحی و تعیین جایگاه دکتترین در این نواحی می‌تواند در شناخت مؤلفه‌های مؤثر بر تعیین دکتترین مفید باشد. برای این منظور، فضای دوبعدی به نواحی ۱ تا ۴ نام‌گذاری شده‌اند.

ناحیه ۱. بایسته‌های پنداری با تمرکز بر درون؛ بایسته‌ای که ماهیتش پنداری است و به درون فرد/بنگاه/سازمان (و یا پدیده و موضوع) تمرکز دارد. "فرهنگ نام‌ها" حالت یا عادت‌های ذهنی را که باعث اعتقاد یا یقین انسان می‌شود، باور نامیده است. فرهنگ‌های امید و دهخدا نیز باور را یقین و اعتقاد معنا کرده‌اند^۱. یعقوبیان با بررسی دیدگاه‌های فلسفی و روان‌شناختی چیستی باور بر ماهیت ذهنی و عاطفی فعل باور تأکید می‌کنند (یعقوبیان، ۱۳۹۸: ۱۱۱). یزدانی و اکبری در نتیجه‌گیری پژوهش خود می‌گویند: «عقاید (باورها) صورت‌های ذهنی در مورد وجود و موجودات است که ما گمان می‌کنیم درست است؛ در حالی که شاهد و دلیل علمی و محکمی برای آن نداریم. در واقع، باورهایمان که قوت بگیرند، به عقاید و به تدریج به اصول و فلسفه زندگی مان تبدیل می‌شوند» (یزدانی و اکبری، ۱۳۹۶: ۹۵). با این مقایسه تطبیقی، نام بایسته‌های این ناحیه "باورها" نامیده شده است. به تعبیر دیگر، باورها بایسته‌های ذهنی فرد/بنگاه/سازمان هستند که بر درون خود فرد/بنگاه/سازمان و یا بر موضوع مورد بحث تمرکز دارند. اگر بنا باشد برای فرد/بنگاه/یا سازمان طرح‌ریزی راهبردی انجام شود، چیستی و کیستی فرد/بنگاه/سازمان برای خودش بسیار مهم است. این چیستی و کیستی به قدری آمیخته با صحت است که به یک باور تبدیل شده است. اما اگر بنا باشد که طرح‌ریزی راهبردی در خصوص یک موضوع یا یک پدیده مانند پدیده‌های فناورانه (فناوری سایبر)، پدیده‌های اجتماعی (اعتیاد)، پدیده‌های اقتصادی (نقدینگی) و ... باشد، بایسته ذهنی راهبر (فرد/بنگاه/سازمان) که بر این پدیده متمرکز است، ملاک تصمیمات بعدی خواهد بود.

ناحیه ۲. بایسته‌های رفتاری با تمرکز بر درون؛ بایسته‌ای که ماهیتش رفتاری است و به درون فرد/بنگاه/سازمان متمرکز است. بایسته‌ای که فارغ از مناسبات پیرامونی باید در رفتار فرد/بنگاه/سازمان متجلی باشد. این بایسته‌ها در واقع، همان "ارزش‌ها" هستند. شایستگی، زیبایی، قابلیت عبارات مترادفی است که بیشتر فرهنگ‌نامه‌ها برای ارزش ذکر کرده‌اند^۲. یزدانی و اکبری در پژوهشی برای تبیین مفهوم ارزش به این یافته رسیدند: «ارزش‌ها به صورت یک نظام ارزشی،

۱. سایت آنلاین واژه‌یاب؛ قابل دسترسی در www.Vajehyab.com

۲. همان

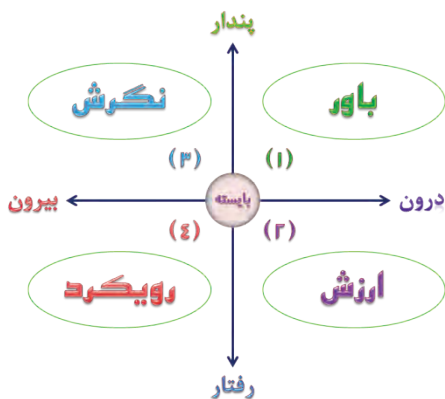
درون فرد ایجاد می‌شود و مبنای قضاوت و تصمیم‌گیری در امور مختلف قرار می‌گیرد. آنها ادامه می‌دهند که در جامعه اسلامی ما مفروضات اساسی وجود دارد که باور ماست و ارزش‌های ما را شکل می‌دهد و آنگاه است که ارزش‌ها جهت حرکت ما را تعیین می‌کند و الگوهای رفتاری ما را شکل می‌دهد» (یزدانی و اکبری، ۱۳۹۶: ۹۲). آنها همچنین معتقدند که ارزش از سنخ قواعد رفتار است (همان: ۹۶). در واقع، ارزش‌ها تا وارد گستره رفتارها نشوند، قابل ارزیابی و قضاوت نیستند. از همین تعبیر برای توصیف دیگری از ارزش‌ها می‌توان بهره گرفت. ارزش‌های فرد/ بنگاه/ سازمان؛ بایسته‌های رفتاری او هستند که با تمرکز بر درون فرد/ بنگاه/ سازمان تعیین می‌شوند. اگر شما به‌عنوان یک فرد به‌دنبال تعیین ارزش‌های خود (مثلاً در زمینه شغل‌تان) هستید، باید ببینید "خوب" در شغل‌تان چگونه تعریف می‌شود. بدیهی است که این خوب یا این ارزش بر شغل شما تمرکز دارد نه بر لایه بالاتر آن (مثلاً زندگی)؛ به‌عنوان مثال، در لایه زندگی، خدامحوری یک ارزش محوری است اما در لایه پایین‌تری مانند تعیین شغل، ذیل ارزش خدامحوری، ارزشی مانند "تایپ سریع" محوریت دارد. اگر طرح‌ریزی راهبردی در خصوص یک پدیده یا موضوع است، خوب بودن باید با تمرکز بر آن پدیده تعیین شود.

ناحیه ۳. بایسته‌های ذهنی با تمرکز بر پیرامون؛ بایسته‌ای که ماهیتی انتزاعی دارد و به پیرامون فرد/ بنگاه/ سازمان متمرکز است. ما/ بنگاه/ سازمان معمولاً در محیط‌های پیچیده واقع هستیم. تعامل انتزاعی ما با محیط قاعدتاً پیچیدگی‌های خاص خود را دارد؛ اما مستقل از ماهیت پیچیده این تعامل، می‌توان بایسته‌های این ناحیه را "نگرش" نامید. مترادف‌های مشترک نگرش در بیشتر فرهنگ‌های لغت عبارت است از: بینش، ملاحظه، نظر، توجه. یوسفی و تجربه‌کار تصور محیطی را یکی از فرآیندهای دخیل در شکل‌گیری نگرش می‌دانند (یوسفی و تجربه‌کار، ۱۳۹۵: ۱). بنابراین دو ناحیه قبلی، می‌توان گفت "نگرش‌ها" بایسته‌های رفتاری ما هستند با تمرکز بر پیرامون. همان‌گونه که اشاره شد، محیط پیرامونی محیطی مملو از تغییرات و دگرگونی‌هاست و هرچه شناخت از محیط و دگرگونی‌های آن در بازه زمانی مناسب گذشته، حال و آینده کامل‌تر باشد، نگرش نیز دقیق‌تر خواهد بود. در تعیین نگرش برای تصمیم‌گیری باید توجه داشت که تمرکز بر موضوعاتی از پیرامون باشد که با ارزش‌ها مرتبط باشند یا از ارزش‌ها تأثیرپذیر باشند و یا بر آنها تأثیرگذار باشند. اگر طرح‌ریزی راهبردی با محوریت یک پدیده یا موضوع است، نگرش نیز باید بر پیرامون آن پدیده یا موضوع تحلیل و تعیین شود. اگر طرح‌ریزی راهبردی با محوریت موضوع هوشمندسازی ترابری جاده است، رصد نیز باید در پیرامون هوشمندسازی ترابری جاده باشد.

ناحیه ۴. بایسته‌های رفتاری با تمرکز بر پیرامون؛ بایسته‌ای که ماهیتی رفتاری دارد و به پیرامون فرد/ بنگاه/ سازمان متمرکز است. چگونه باید با محیط رفتار کرد. واضح است پاسخ به این پرسش در حد بایستگی است نه در حد راهکار و یا حتی راهبرد. بایسته رفتاری نسبت به محیط فقط ماهیت رفتار را تعیین می‌کند نه خود رفتار را. فقط جهت را تعیین می‌کند نه راه و حرکت را. برای حرکت در یک مسیر معین، باید پیش از گام‌نهادن در آن مسیر، در جهت آن مسیر ایستاد و به تعبیر ساده‌تر جهت‌گیری کرد. بنابراین، بایسته رفتاری نسبت به پیرامون، "رویکرد" - با مفهوم جهت‌گیری - نامیده شده‌است.

در تعاریف مفهومی که برای دکترین ارائه شد - به‌ویژه تعاریفی مانند تعریف آیسیت، شفریتز و بوریگ - چنین تعبیری که ما برای رویکرد ارائه کردیم، برای دکترین آورده شده‌است. همان‌طور که اشاره شد، آیسیت می‌گوید: دکترین قواعد(اصول) بنیادینی است که اقدامات و اعمال را برای وصول به اهداف هدایت و حمایت می‌کند. طبق نظر شفریتز و بوریگ، دکترین تشریح و تبیین قواعد ذاتی حاکم بر خلقت، طبیعت و قواعد ذاتی حاکم بر اعمال موجودات به‌ویژه بشر است؛ بنابراین، می‌توان بازتعریفی از دکترین در قالب بایستگی به این صورت ارائه کرد: دکترین عبارت است از بایسته‌های رفتاری فرد/ بنگاه/ سازمان نسبت به پیرامون.

چهار ناحیه نگاهت دوبعدی بایستگی تحلیل شد. کانیای، روملی، و زارمن^۱ (۲۰۱۱) معتقدند در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که نگرش‌ها منبع اصلی ظهور رفتارهاست و ارزش‌ها از طریق مشارکت‌جستن در فرآیند شکل‌گیری نگرش‌ها در قالب اعمال و رفتارهای ما تجلی و ظهور می‌یابد(یزدانی و اکبری، ۱۳۹۶: ۹۶). یزدانی و اکبری هم نشان دادند که ارزش‌ها ریشه در مفروضاتی دارد که باورها نامیده می‌شوند؛ بنابراین، ترتیب تعیین بایستگی‌ها، همین ترتیب نواحی چهارگانه است که در شکل ۶ نشان داده شده‌است.



شکل ۶. مؤلفه‌های بایستگی

برای تحلیل داده‌ای مانند بایسته‌ها، می‌توان از یک الگوی سه‌وجهی استفاده کرد (شکل ۷). مطابق این الگو، یک داده، دارای سه وجه است: ۱. وجه برون داد یا خروجی؛ که نشان‌دهنده اثر داده است؛ ۲. وجه درونی یا وجه استاتیک داده؛ که نشان‌دهنده اجزای تشکیل‌دهنده آن داده است؛ ۳. وجه میانی یا وجه دینامیک داده؛ که نشان‌دهنده فرآیندهای داده است (خسروی، ۱۳۹۷: ۱۹۵).



شکل ۷. وجوه سه‌گانه تحلیل یک داده

بر اساس این الگوی سه‌وجهی، دکترین در جایگاه وجه خروجی بایسته‌ها قرار می‌گیرد. در متن نظر کارشناسان هم به این موضوع تصریح شده بود که دکترین ریشه در باورها دارد؛ بنابراین، وجه استاتیک بایسته‌ها و در واقع، اجزای سازنده آن، باورهای فرد/بنگاه/سازمان هستند. باورها ماهیت ثابتی دارند. تغییر باور به‌منزله تغییر اصول است و تغییر اصول یعنی تغییر ماهیت بایستگی. ارزش‌ها و نگرش‌ها وجه متغیر در بایسته‌های فرد/بنگاه/سازمان هستند. نگرش‌ها بایسته‌های متمرکز بر

پیرامون هستند و تغییر آنها امری کاملاً بدیهی است؛ چراکه محیط پیرامون پیوسته در حال تغییر است اما تغییر ارزش‌ها در بازه‌های طولانی‌تری روی می‌دهد. ارزش و امتیاز مطلوب برای یک شرکت نوپا در جایزه تعالی حدود ۲۵۰ است اما این ارزش برای همین شرکت در دوره‌های بعدی تغییر می‌کند و اگر شرکت خود را محدود به این ارزش کند، از جایزه محروم می‌شود؛ بنابراین، دو مؤلفه "ارزش‌ها" و "نگرش‌ها" وجه دینامیک بایسته‌ها هستند که باورها را به رویکرد یا همان دکترین تبدیل می‌کنند.

آزمون صحه‌گذاری این گزاره‌ها در یک کارگروه خبرگی متشکل از ۱۲۰ نفر از کارشناسان و مدیران طرح‌ریزی راهبردی چندین سازمان صنعتی انجام شد. پس از تشریح الگو در این کارگروه خبرگی، از خبرگان کارگروه خواسته شد تا نظرشان را در خصوص گزاره‌های ذیل در طیف لیکرت نمره‌دهی کنند. حاصل آزمون در جدول ۲ خلاصه شده است.

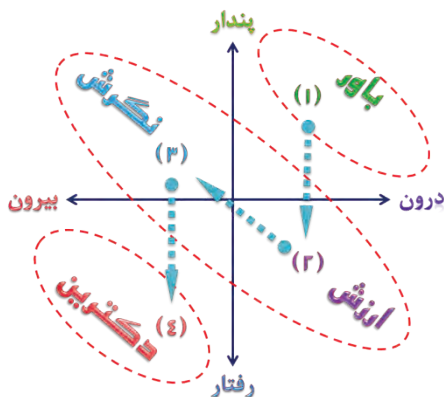
جدول ۲. آزمون صحه‌گذاری گزاره‌های تحلیل مؤلفه‌های بایستگی

ردیف	گزاره (من معتقدم...)	میانگین
۱	بایسته‌های ذهنی ما نسبت به خودمان همان باورهای ما هستند.	۴,۲
۲	بایسته‌های رفتاری ما نسبت به خودمان همان ارزش‌های ما هستند.	۴,۱
۳	بایسته‌های ذهنی ما نسبت به محیط، نگرش‌های ما را شکل می‌دهند.	۴,۱
۴	بایسته‌های رفتاری ما نسبت به محیط رویکردهای ما را شکل می‌دهند (دکترین).	۴,۰

میانگین امتیاز خبرگان کارگروه به گزاره‌های جدول شماره ۲، نمره بالاتر از ۴ بود (موافق) که نشان از صحه‌گذاری گزاره‌ها در کارگروه خبرگی دارد.

نتیجه‌گیری

در طراحی چارچوب پژوهش، ارتباط چند مؤلفه با یکدیگر برای استخراج دکترین مد نظر قرار گرفت. این مؤلفه‌ها در تحلیل یافته‌ها شناسایی شد و ارتباطشان روشن شد. شکل ۸ بازساخت چارچوب مفهومی پژوهش را بر اساس یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد.



شکل ۸. نگاهت دوبعدی تحلیل بایسته‌ها برای تعیین دکترین

بر اساس این الگو، مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر تعیین دکترین عبارتند از:
باورها: بایسته‌های پنداری فرد/بنگاه/سازمان؛ با تمرکز بر درون خود و یا پدیده؛
ارزش‌ها: بایسته‌های رفتاری فرد/بنگاه/سازمان؛ با تمرکز بر درون خود و یا پدیده؛
نگرش‌ها: بایسته‌های پنداری فرد/بنگاه/سازمان؛ با تمرکز بر پیرامون خود و یا پدیده؛
 بر همین اساس، دکترین در واقع، مؤلفه مکمل در فضای دوبعدی بایسته‌هاست که به این صورت
 تعریف می‌شود: **بایسته‌های رفتاری فرد/بنگاه/سازمان؛ با تمرکز بر پیرامون خود و یا پدیده.**

باورها تعیین می‌شوند و بر اساس این باورها می‌توان ارزش‌ها را تعیین کرد. در پیرامون، عواملی هستند که بر ارزش‌ها تأثیرگذارند و یا از آنها تأثیر می‌پذیرند. نگرش در واقع، تحلیل‌های ما هستند از این عامل‌ها. در نهایت، رویکرد یا دکترین، جهتی است که ما در مواجهه با این عامل‌های تأثیرگذار یا تأثیرپذیر از ارزش‌ها اتخاذ می‌کنیم؛ بنابراین، می‌توان پاسخ پرسش پژوهش را به روشنی بیان کرد. موقعیت مسئله‌ساز پژوهش منجر به شکل‌گیری این پرسش شده بود که چارچوب مناسب برای تحلیل بایسته‌ها و انتخاب جهت در تصمیمات راهبردی چیست؟ این چارچوب در شکل ۸ نشان داده شده‌است. این چارچوب، در قالب یک نگاهت دوبعدی چگونگی دسته‌بندی بایسته‌ها را در چهار ناحیه مرتبط به هم نشان می‌دهد. تحلیل چهار مرحله‌ای بایسته‌ها در این شکل منجر به روشن شدن دکترین و ماهیت آن در سطوح مختلف فرد/بنگاه/سازمان می‌شود.

نکته حائز اهمیتی که در این تعریف و شکل ۸ باید به آن توجه کرد، نقشی است که عملکردهای گذشته و حال عوامل محیطی در تعیین دکتترین ایفا می‌کنند. دکتترین کاملاً متأثر از نگرش‌های ما تعیین می‌شود و نگرش‌های ما کاملاً وابسته به عملکردهای گذشته و حال عوامل محیطی است. ابزارها و روش‌های تحلیل محیط به‌ویژه رصدهای محیطی در شکل‌گیری یک نگرش درست یا نادرست بسیار مؤثرند.

شکل ۸ و تعریف ارائه‌شده برای دکتترین نشان می‌دهد که مفهوم این واژه به جهت‌گیری بسیار نزدیک است؛ از این رو، می‌توان از واژه رویکرد (به مفهوم تعیین جهت) برای دکتترین استفاده کرد. در تصمیم‌گیری‌های راهبردی، پیش از تعیین هدف، باید جهت‌گیری تعیین شود. به تعبیری، دکتترین بر تعیین هدف مقدم است. اما طبق تعاریفی که از راهبرد بیان شد، راهبرد مسیر بهینه رسیدن به هدف است؛ بنابراین، دکتترین نه تنها از جنس راهبرد نیست بلکه دو گام پیش از تعیین راهبرد است.

از این الگو برای تحلیل بایستگی در چندین مورد استفاده شده است. شفافیت حاصل در تعیین و تعریف دکتترین با استفاده از این الگو بسیار حائز توجه بود. یکی از موارد کاربرد این الگو در سطح سازمانی، تعریف دکتترین حاکمیتی در خصوص ترابری هوشمند جاده‌ای است. در سند راهبردی ترابری هوشمند جاده‌ای این دکتترین این‌گونه درج شده است (نیکبخش، ۱۳۹۹: ۲۷۳): «با توجه به نقش تهوجا در بهبود و ارتقای شاخص‌های توسعه سلامت، اقتصاد، اشتغال، و امنیت؛ و همچنین تأثیر این حوزه بر حوزه‌های کلان ترابری ریلی، هوایی، و دریایی؛ و همچنین، تأثیر مستقیم در توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، ترابری هوشمند جاده‌ای همواره از برنامه‌های توسعه ملی جمهوری اسلامی ایران است که دولت برای توسعه این حوزه، درصدی از سهم بودجه سالانه را اختصاص می‌دهد و زمینه را برای جذب سرمایه بخش خصوصی در این حوزه فراهم می‌کند». موارد متعدد دیگری از کاربرد این الگو در تعیین دکتترین سطوح سازمانی، بنگاهی و حتی فردی مستند شده است که به‌لحاظ حفظ محرمانگی و سطح دسترسی از بازگوکردنشان خودداری می‌شود اما در همه موارد، نتایج مورد رضایت مراجعان بوده است.

نکته مهمی که در طول این پژوهش به‌طور ضمنی به‌چشم می‌خورد این است که دکتترین نه در سطح و نه در عمق، محدود به یک حوزه خاص مانند حوزه نظامی نیست. دکتترین در تمام حوزه‌هایی که نیاز به تصمیم‌گیری دارند، کاربرد دارد. جهت‌گیری یا رویکرد و یا همان دکتترین، مرحله پیش از انتخاب راهکار برای اقدام است و محدود به حوزه‌های خاصی مانند حوزه نظامی و یا

سیاسی نیست. دکترین در عمق نیز محدود به هیچ لایه‌ای مانند لایه‌های حاکمیتی یا ملی نیست. اگر طرح‌ریزی و تصمیم‌گیری در لایه حاکمیتی انجام می‌شود، دکترین هم در لایه حاکمیتی تعیین می‌شود؛ اما اگر تصمیم‌گیری در پایین‌ترین لایه - یعنی لایه فردی - است، دکترین هم به رویکردهای فردی برمی‌گردد.

پیشنهادها

یکی از بخش‌های اصلی در اسناد راهبردی، مرور اسناد بالادست است. توجه به این نگاهت، مرور اسناد بالادست را جهت‌دار می‌کند. تحلیل بایستگی و تعیین اصول از ارکان جهت‌ساز در اسناد راهبردی و پروژه‌های طرح‌ریزی راهبردی است. این نگاهت دوبعدی به‌روشنی می‌گوید که کدام یک از اسناد بالادست و چرا باید مورد بررسی قرار گیرند. دکترین - که می‌توان با توجه به مفاهیم این پژوهش از واژه رویکرد (به معنای جهت‌گیری) برای معادل آن بهره گرفت - در تعیین اصول و ارکان جهت‌ساز نقشی اساسی دارد؛ بنابراین، مهم‌ترین مؤلفه‌ای که در اسناد بالادست باید به‌دنبال آن بود، جهت‌گیری لایه بالادست نسبت به موضوع تصمیم‌گیری راهبردی است. اگر این دکترین به‌روشنی تبیین نشده باشد، باید در اسناد بالادست به‌دنبال یافتن نگرش‌ها، ارزش‌ها و در صورت لزوم، باورهای لایه بالادست نسبت به موضوع تصمیم‌گیری راهبردی بود. بایسته‌ها و دکترین - که در واقع، وجه خروجی بایسته‌هاست - یکی از مؤلفه‌های کلیدی در تعیین اهداف آرمانی و طرح‌ریزی راهبردی هستند. رویکرد یا همان دکترین در حالات مختلف کسب و کار می‌تواند نام‌های مختلفی هم داشته باشد و تعیین مأموریت کاملاً با تعیین دکترین همبستگی نزدیکی دارد.

فهرست منابع

- احمدوند، علی محمد (۱۳۸۶)، "درباره راهبرد؛ مقدمه‌ای بر تدوین طرح راهبردی در ناجا"، دو ماه‌نامه توسعه انسانی پلیس، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۷۸ - ۵۹
- اسلامی‌پناه، علی (۱۳۹۹)، "دکترین به منزله منبع حقوق"، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره نهم، شماره ۳۲، صص ۱۲۵ - ۱۰۸
- بخشنده سلامت، مهرداد (۱۳۹۷)، "تبیین ماهیت و ویژگی‌های ره‌نامه‌های نظامی"، فصلنامه علوم و فنون نظامی. سال چهاردهم، شماره ۴۶، صص ۹۸ - ۸۱
- پیرس و رابینسون (۱۳۹۳)، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک،

تهران، انتشارات یادواره کتاب

- ثروتی، محسن؛ مظلوم، علی؛ باقری، مسعود؛ خسروی، خسرو؛ ثروتی، عباس؛ بنی طبا، سیدعلی رضا؛ بصیرت فرد، محمد؛ عزیزی، علی (۱۳۹۱)، راهنمای آموزشی تدوین دکترین، تهران، دبیرخانه هیئت عالی آیین نامه های نیروهای مسلح

- خسروی، عباس (۱۳۹۷)، "تحلیل یکپارچه میدان های جنگ همه جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران با استفاده از الگوی اژدهای هفت سر جنگ"، فصلنامه پژوهش های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال هفتم، شماره ۶۲، صص ۱۸۲ - ۱۴۵

- خلیلی، رضا (۱۳۸۶)، "دکترین، سیاست، و راهبرد؛ نسبت سنجی نظری و مفهومی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره ۳، صص ۳۰ - ۱۸

- شفریتز، جی ام؛ بوریک، کریستوفر پی. (۱۳۹۰)، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، سیاستگذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا. تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)

- شهلائی، ناصر (۱۳۸۵)، مدیریت استراتژیک در نیروهای مسلح، تهران، انتشارات دافوس - کلانتری، سیدعلی (۱۳۹۵)، "پژوهشی در باب پیروی از هنجار باور"، فصلنامه حکمت و فلسفه، سال دوازدهم، شماره ۲، صص ۳۲ - ۱۹

- کواکبیان، مصطفی؛ منتظری، مصطفی؛ منتظری، غلامرضا (۱۳۹۶)، "فرآیند تدوین دکترین فقهی امام خمینی (ره) در ساحت سیاست" فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۶۵ - ۵۱

- گنجی، قربان علی؛ گنجی، محمد رضا؛ گنجی، نادر (۱۳۹۵)، "سنجش میزان سرمایه اجتماعی بر حسب نوع نگرش افراد نسبت به عملکرد ارگان های دولتی در استان گلستان"، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۱۱۲ - ۹۸

- ولی وند زمانی، حسین؛ سرمد، علی (۱۳۹۷)، "تبیین عوامل ماهیتی عملیات مشترک مؤثر در تدوین دکترین عملیات مشترک در یک سازمان نظامی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه آینده پژوهی دفاعی، سال دوم، شماره ۶، صص ۹۶ - ۸۰

- یزدانی، شهرام؛ اکبری لاکه، مریم (۱۳۹۶)، "تبیین و شفاف سازی مفهوم ارزش در آموزش علوم پزشکی"، مجله پژوهش در دین و سلامت، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۴۵ - ۱۲۸

- یعقوبیان، محمدحسن؛ قاسم پور، حسن (۱۳۹۸)، "تحلیل و بررسی چیستی باور"، فصلنامه معرفت فلسفی، سال هفدهم، شماره ۱، صص ۹۸ - ۷۹

- یوسفی، فرزانه؛ تجربه کار، مهشید(۱۳۹۵)، نگرش و تغییر نگرش، تهران، چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی مطالعات اجتماعی و فرهنگی
- نیکبخش، احسان(۱۳۹۹)، مطالعه، پژوهش، و تدوین سند نقشه راه ملی هوشمندسازی حمل و نقل جاده‌ای؛ گزارش اول، تهران، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، ستاد توسعه فناوری‌های حوزه فضایی و حمل و نقل پیشرفته





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی